



Institute for Research
& Planning in Higher Education

Higher Education Letter

Print ISSN: 2008-4617



National Organization
for Educational Testing

Solutions for Achieving Effective Governance in Student Assessment and Admission Systems

Majid Asadpour¹, Sayed Jalal Musavi²

1. PhD Psychology Student, University of Vienna, Vienna, Austria. Email: Majida20@univie.ac.at

2. Assistant Professor, Supreme Council of the Cultural Revolution, Tehran, Iran; (Corresponding Author), Email: musavi14@yahoo.com

Article Info

Article Type:

Research Article

Received

Received in revised

form

Accepted

Published online

ABSTRACT

Objective: This article aims to identify solutions for achieving effective governance in student assessment and admission systems, focusing on the national exam in Iran.

Methods: This research gathered primary data through a qualitative approach, employing thematic analysis methodology via interviews with 27 scientific and executive experts of the assessment and admission system. Following the coding of these interviews, 175 basic themes were categorized into 23 organizing themes. The focus group confirmed the validity of the methodology.

Results: The research findings suggest that solutions for achieving effective and good governance in the assessment and admission system can be classified into seven levels: Integrity in governance, optimization of the assessment process, revision of the admission process, strengthening academic and career guidance, representation in institutional management, consideration of economic and social requirements, and reforms in approach.

Conclusion: Research findings suggest that effective governance and improvements to the student assessment and admission system require comprehensive and integrated policymaking, updated regulations, a clear division of national responsibilities, and coordination among institutions. Additional measures include separating assessment from admission, increasing the role of universities in admission and field selection, fundamentally transforming academic guidance, reforming assessment criteria and revising the national exam, regulating the entrance exam market, and initiating discourse reforms.

Keywords: Student assessment, student admission, entrance exam, Konkoor, governance, academic guidance.

Cite this article: Asadpour, Majid; Musavi, Sayed Jalal (2024). Solutions for Achieving Effective Governance in Student Assessment and Admission Systems, *Higher Education Letter*, 17 (68): 150-170 pages.

DOI: 10.22034/hel.2024.2036597.1984

© The Author(s).



Publisher: Institute for Research & Planning in Higher Education & National Organization for Measuring and Evaluating the Country's Education System

راهکارهای دستیابی به حکمرانی موثر در نظام سنجش و پذیرش دانشجو

مجید اسدپور^۱، سید جلال موسوی^۲

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه وین. رایانامه: Majida20@univie.ac.at

۲. دکتری مدیریت آموزش عالی، استادیار دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ تهران، ایران؛ (نویسنده مسئول)، رایانامه: musavi14@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی دریافت: اصلاح: پذیرش: انتشار:	هدف: مقاله حاضر با هدف شناسایی راهکارهای تحقق حکمرانی موثر در نظام سنجش و پذیرش دانشجو با تمرکز بر آزمون سراسری در ایران تدوین شده است. روش پژوهش: این پژوهش به روش کیفی انجام شده است. داده‌های اولیه از طریق مصاحبه با ۲۷ نفر از خبرگان علمی و اجرایی سنجش و پذیرش گردآوری شده‌اند. پس از کدگذاری مصاحبه‌ها، ۱۷۵ مضمون پایه استخراج گردید که در ۲۳ مضمون سازمان‌دهنده دسته‌بندی شد. تحلیل اطلاعات با استفاده از تحلیل مضمون انجام و صحت انجام پژوهش توسط گروه کانونی تأیید شد. یافته‌ها: راهکارهای دستیابی به حکمرانی خوب و موثر در نظام سنجش و پذیرش در هفت بخش دسته‌بندی می‌شوند: (۱) یکپارچگی حکمرانی، (۲) بهینه‌سازی فرآیند سنجش، (۳) بازنگری در فرآیند پذیرش، (۴) تقویت هدایت تحصیلی و شغلی، (۵) بازنمایی مدیریت نهادی، (۶) الزامات اقتصادی و اجتماعی و (۷) اصلاحات رویکردی. نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حکمرانی موثر و ارتقای نظام سنجش و پذیرش دانشجو مستلزم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان و یکپارچه، مصوبات به‌روز، تقسیم کار ملی واضح و هماهنگی بین دستگاه‌هاست. اقدامات تکمیلی شامل تفکیک سنجش از پذیرش، افزایش نقش دانشگاه‌ها در پذیرش و انتخاب رشته، تحول جدی در هدایت تحصیلی، اصلاحات در معیارهای سنجش و اجرای آزمون، ساماندهی بازار کنکور و آغاز اصلاحات گفتمانی می‌باشد. واژه‌های کلیدی: سنجش دانشجو، پذیرش دانشجو، آزمون ورودی، کنکور، حکمرانی، هدایت تحصیلی.

استناد: اسدپور، مجید؛ موسوی، سید جلال (۱۴۰۳). راهکارهای دستیابی به حکمرانی موثر در نظام سنجش و پذیرش دانشجو. *نامه آموزش عالی*، ۱۷ (۶۸)، ۱۷۰-۱۵۰

صفحه. DOI: 10.22034/hel.2024.2036597.1984



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و سازمان ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش کشور

مقدمه

حکمرانی^۱، که غالباً به فعالیت و فرآیند حکومتداری در سطح کشوری و یا سازمانی اشاره دارد، پدیده‌ای جدید و موضوعی بین‌رشته‌ای مابین رشته‌های مختلفی همانند علوم سیاسی، سیاستگذاری، مدیریت و جامعه‌شناسی است که به سایر رشته‌ها گسترش پیدا کرده است. برخلاف مفهوم سنتی حکومت که در آن دولت بازیگر اصلی است، حکمرانی بر نقش سایر بازیگران همانند مردم و نهادهای عمومی و خصوصی نیز تأکید دارد. اصولاً حکمرانی بر محورهایی چون تمرکززدایی، افزایش نقش بخش‌های غیردولتی، تغییر نگاه سنتی از نگاه سلسله مراتبی به تنظیم‌گری و کنترل و افزایش نقش نهادها در تصمیم‌گیری و سیاستگذاری استوار است (باقری‌مقدم و احمدی، ۱۳۹۷). امروزه حکمرانی به یک مفهوم رایج در آموزش عالی تبدیل شده است و به طور گسترده برای روابط بین دانشگاه‌ها و دولت، توسعه سیاستگذاریها، تأثیر ذینفعان خارجی و تصمیم‌گیری‌های ساختاری به کار می‌رود. این مفهوم شامل سطوح چندگانه قدرت با در نظر گرفتن عاملان و بازیگران مختلف می‌شود (شین^۲ و جنز^۳، ۲۰۲۲) و پژوهش‌ها، حکمرانی خوب و مناسب را یکی از عواید اصلی کیفیت آموزش عالی، اعم از مدیریت داخلی دانشگاهها و مدیریت کلان نظام آموزش عالی و زیرنظام‌هایش، قلمداد می‌کنند (زمان^۴، ۲۰۱۵) حکمرانی، اصول مختلفی دارد که غالباً بر انجام مسئولانه وظایف و مدیریت منابع متکی است و در این صورت با حکمرانی خوب و موثر مواجه خواهیم بود. تمرکززدایی و جلب مشارکت و تعامل با ذی‌نفعان و مخاطبان، پاسخگویی و شفافیت، کارایی و اثربخشی، حاکمیت قانون و توجه به احکام قانونی، شایستگی و ایجاد ظرفیت، نوآوری و برخورد باز با تغییرات و تحول، توجه به اجتماع و وفاق و انسجام اجتماعی از جمله اصولی است که برای حکمرانی درست و موثر ذکر می‌شود (سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۵، ۲۰۱۰).

از آنجایی که مفهوم حکمرانی به طور فزاینده‌ای به عنوان یک مفهوم حمایتی و چتری در تجزیه و تحلیل تغییرات و اصلاحات عمده سیاستی در زیرنظام‌های مختلف آموزش عالی، از جمله تأمین مالی، تضمین کیفیت و پاسخگویی، استفاده می‌شود (شین و جنز، ۲۰۲۲)، استفاده از این مفهوم و مشخصه‌های آن در نظام سنجش و پذیرش دانشجو، به عنوان یکی از بخش‌های مهم نظام آموزش عالی و منابع انسانی آن، می‌تواند به تجزیه و تحلیل وضعیت موجود و ارائه اصلاحات حاکمیتی و سیاستی کمک شایانی کند. واقعیت آن است که غالباً دانشگاهها و موسسات آموزش عالی در دنیا با چالش‌هایی در فرآیند سنجش و پذیرش داوطلبان مواجه هستند. آنها می‌بایست برای یک فرآیند پذیرش بر اساس معیارهای پذیرش معتبر و قابل اعتماد تلاش کنند تا داوطلبانی انتخاب شوند که احتمالاً در رشته انتخابی خود در دانشگاه موفق خواهند شد. علاوه بر این، دانشگاهها و موسسات آموزش عالی می‌بایست معیارها و فرآیندها را بهبود بخشند و همچنین با روش‌های مناسبی متقاضیانی را پذیرش کنند که احتمالاً عملکرد تحصیلی آنها در آینده بهتر از بقیه باشد (منگاش^۶، ۲۰۲۰) غالباً سنجش شایستگی و صلاحیت داوطلبان و پذیرش یا عدم پذیرش آنها در یک رشته و دانشگاه بر اساس مجموعه‌ای از عوامل یا ملاک‌هایی در دنیا صورت می‌گیرد که تلاش دارند تا عملکرد تحصیلی، استعدادها و توانمندی‌های داوطلب را بسنجند. به عبارت دیگر، مهم‌ترین معیارهای سنجش و پذیرش دانش‌آموزان برای پذیرش در دانشگاه‌ها عبارتند از: نتیجه آزمون، پیشرفت تحصیلی (سوابق دوره مدرسه)، تقاضانامه (و مشخصات فردی)، عوامل جمعیتی و... منظور از آزمون، آزمونهای ورودی هستند که به منظور سنجش شایستگی داوطلبان در دنیا رایج است و با آن تلاش می‌کنند تواناییها، دانش‌های اکتسابی و میزان یادگیری دانش‌آموز را بسنجند (زراعت‌کیش، خدادادی و داوری اردکانی، ۱۳۹۸).

1. Governance

2. Shin

3. Jones

4. Zaman

5. OECD

6. Mengash

اصولاً ضرورت برخورداری از فرایندهای سنجش و پذیرش از آنجا ناشی میشود که اولاً برای ورود به یک دوره تحصیلی یا مهارتی، هر شخصی مناسب نیست و لازم است فرد از نظر شایستگی‌های اولیه از جمله سواد کافی برای ورود به آن مقطع یا رشته و سلامتی جسمی و روانی مورد سنجش واقع شود و استانداردهای اولیه برای ورود را کسب نماید. ثانیاً رشته‌ها و دانشگاه‌های منتخب غالباً با حجم متفاوتی فراتر از ظرفیت خود مواجه هستند و گاه برای رقابت بر سر یک صندلی ده‌ها داوطلب با یکدیگر به رقابت می‌پردازند و در نتیجه سنجش افراد شایسته از بین این میزان داوطلب، کار آسانی نیست. در اصطلاح رایج، آزمون‌هایی که بر زندگی حال و آینده افراد اثرات مهمی دارند و غالباً در مقیاس وسیع و ملی با تبعات فردی و اجتماعی اجرا می‌شوند و منتج به تصمیمات بزرگی می‌شوند را آزمون‌های سرنوشت‌ساز^۱ می‌نامند (تریگیرو^۲ و لِم^۳، ۲۰۲۰). در ایران نیز "کنکور" آزمونی است که دانش اکتسابی و تحصیلی دانش‌آموزان را در رشته مربوطه برای ورود به دانشگاه‌ها مورد سنجش قرار می‌دهد (عاشوری و همکاران ۱۳۹۹) و اصطلاح "آزمون سراسری" نیز در جامعه ایران غالباً به این آزمون اشاره دارد و در یک معنا به کار می‌رود. ما در این مقاله از هر دو اصطلاح در معنای یکسانی استفاده می‌کنیم.

باوجود تأثیرات فرایندهای سنجش و پذیرش بر نظام آموزش عالی، آموزش و پرورش و خانواده‌ها سالهاست شیوه سنجش و پذیرش دانشجویان مورد انتقاد قرار گرفته است و بسیاری از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت و خانواده‌ها آثار منفی آن را گزارش داده‌اند و یادآور شده‌اند (خلقی و جعفری، ۱۳۹۱). کنکور موجب آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی، شخصیتی و خانوادگی شده است و درواقع در جامعه ما به پدیده‌ای اجتماعی مبدل شده است که بر شرایط روانی، آموزشی، یادگیری و اقتصادی خانواده‌ها تأثیرات منفی می‌گذارد (سبحانی و شهیدی، ۱۳۸۶؛ فتح‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین موسوی و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیقاتشان به این نتیجه رسیدند که سنجش و پذیرش فعلی آسیب‌های مختلفی از جمله فشار روانی و مالی زیاد بر خانواده‌ها، کمرنگ‌شدن اهداف تربیتی در مدارس و عدم تناسب عرضه و تقاضا در دانشگاه‌ها را دارد.

بنابراین باتوجه به حساس‌بودن تربیت نیروی انسانی فرهیخته و کارآمد، اهمیت ورود به دانشگاه‌ها در ساختار فعلی نظام آموزشی کشور، همچنین با توجه به تأثیرات فرایندهای فعلی سنجش و پذیرش بر خانواده‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها (موسوی، اسدپور و سوزنچی، ۱۴۰۲)، برخورداری از حکمرانی خوب و موثر در نظام سنجش و پذیرش و ارائه راهکارها و دلالت‌های سیاستی در جهت بهبود وضعیت کنونی آن ضرورت دارد. البته می‌بایست توجه داشت که تحقق حکمرانی و حکمرانی خوب و موثر مبتنی بر زیرساخت‌های فرهنگی اجتماعی و ظرفیت نهادی کشورهاست و لذا متناسب با هر کشور و زیست‌بومی متفاوت است. همچنین در کنار مفهوم حکمرانی خوب، حکمرانی موثر^۴ در آموزش عالی نیز رایج است که از ابعاد مختلف حکمرانی خوب، ابعاد عملکرد و مسئولیت‌پذیری آن در حکمرانی موثر مورد توجه بیشتری است. (شین و جونز، ۲۰۲۲) مقاله حاضر بر مفهوم ابعاد حکمرانی موثر در آموزش عالی متمرکز شده است و در تلاش است تا راهکارهای تحقق حکمرانی موثر در نظام سنجش و پذیرش را استخراج نماید، به گونه‌ای که با اجرایی‌نمودن راهکارها، نظام سنجش و پذیرش از نظر ابعاد مختلف حکمرانی، به ویژه عملکردی و مسئولیت‌پذیری، وضعیت خوبتری را کسب نماید. بر همین اساس سوال اصلی پژوهش حاضر این است که به منظور تحقق حکمرانی موثر در نظام سنجش و پذیرش دانشجو در کشور، چه راهکارها و تغییراتی لازم است اتفاق بیافتد. در نتیجه مقاله حاضر تلاش دارد تا با بهره‌گیری از نظرات خبرگان، صاحب‌نظران و مسئولان فعلی و سابق نظام آموزشی و نظام سنجش و پذیرش دانشجو، فهرست نظام‌مندی از راهکارهای مناسب را پیشنهاد نماید تا تحقق آنها موجب بهبود عملکرد و خروجی نظام سنجش و پذیرش و در نتیجه انتخاب افراد شایسته‌تر برای نظام آموزش عالی گردد.

¹ High Stale Test

² Trigueiro

³ Leme

⁴ Effective Governance

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

برداشت‌های مختلفی از اصطلاح حکمرانی و حکمرانی خوب وجود دارد و سازمان‌های بین‌المللی همانند بانک جهانی درباره ابعاد آن صحبت کرده‌اند و تعاریف آنها تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. اما به صورت کلی می‌توان پنج اصل شامل مشروعیت، جهت‌گیری، عملکرد، مسئولیت‌پذیری و انصاف یا عدالت را به عنوان پنج بعد و مشخصه اصلی حکمرانی خوب دانست (بری^۱ و گودگبور^۲، ۲۰۲۰). حکمرانی در آموزش عالی نیازمند تنظیمات رسمی و غیررسمی است تا آموزش عالی به صورت کلی و دانشگاهها بتوانند تصمیمات بهتری بگیرند و به وظایف خود بهتر عمل کنند. این حکمرانی متأثر از شاخص‌هایی چون اثربخشی مدیریت و رعایت اولویت‌های حکمرانی در چارچوب قانون است (رجبی، شامردی و حسن مرادی، ۱۳۹۹). یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهند که حکمرانی بر عملکرد آموزش عالی تأثیر مثبت می‌گذارد، زیرا منجر به بهبود پاسخگویی، تشویق فرآیندهای مشارکتی، ترویج فراگیری و کمک به مدیریت بهتر منابع می‌شود (عبدالعزیز^۳، ۲۰۲۲). یافته‌های پژوهش فطانت فرد حقیقی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داده است که ترسیم الگوی حکمرانی مطلوب آموزش عالی بر راهبردهایی نظیر تمرکززدایی، مهندسی مجدد ساختارها و فرآیندها، مشارکت ذینفعان و تفویض اختیار به دانشگاهها، وابسته است و انتظار می‌رود پیامدهایی نظیر پرورش انسان شایسته در سیستم آموزش عالی، همسویی و یکپارچگی میان نهادهای متعدد تصمیمگیر، تحقق رسالت‌ها و تحقق ابعاد حکمرانی مطلوب در آموزش عالی تحقق یابد.

باقری‌مقدم و احمدی (۱۳۹۷) در پژوهش آسیب‌شناسی حکمرانی در نظام آموزش عالی ایران، به دو روش کیفی و کمی به بررسی آسیب‌هایی پرداخته‌اند که حکمرانی نظام آموزش عالی ایران با آن درگیر است. یافته‌های آنها نشان داده است که فقدان انسجام‌بخشی عمودی و افقی، موانع ساختاری در سیاست‌گذاری آموزش عالی، تقابل حکمرانی درونی و بیرونی و فقدان پایگاه اطلاعاتی از آسیب‌هایی هستند که حکمرانی آموزش عالی را با مشکل مواجه کرده است. همچنین پژوهش قورچیان و احمدی رضایی (۱۳۹۳) در موضوع حکمرانی دانشگاه‌های تراز جهانی به این نتیجه دست یافتند که یکی از مشخصه‌های حکمرانی در این دانشگاه‌ها این است که غالباً بر استعدادها و جذب بهترین اساتید و برترین دانشجویان متمرکز هستند. در کشور ما نیز، دولت به‌منظور پاسخ‌گویی به تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی و همچنین اهداف دیگری چون عدالت آموزشی راهکارهای متعددی را برای سنجش و پذیرش بهتر به اجرا می‌گذارد (قلخانباغ و خدایی، ۱۳۹۳).

فرآیند سنجش و پذیرش در ایران به دلیل تقاضای بالا جهت ادامه تحصیل و پذیرفته‌شدن در دانشگاه‌های باکیفیت و غالباً دولتی، به عنوان یکی از رخدادهای آموزشی کشور شناخته می‌شود که هر ساله بیش از یک میلیون نفر داوطلب در آزمون سراسری شرکت می‌کنند. از آنجا که این آزمون تا حدود زیادی تعیین‌کننده سرنوشت تحصیلی و آینده شغلی افراد داوطلبان می‌باشد، عدم شکوفایی استعداد و توانمندی‌های آنها در مراحل قبل، در نهایت مانع اکتساب نمره لازم و قبولی در رشته مورد علاقه خواهد شد. این امر با توجه به اهمیت پذیرفته‌شدن داوطلب در رشته مورد علاقه و تأثیر آن بر توسعه ابعاد فردی و اجتماعی وی، می‌تواند موجب هدررفت منابع گزاف مالی خانواده داوطلب و دولت شود. (باقی یزدل و همکاران، ۱۴۰۲). وجود حکمرانی مناسب و نسبتاً جامع برای سنجش و پذیرش دانشجو جهت تعیین دروندادی مناسب، خلاق و با انگیزه متناسب با نیازهای توسعه‌ای مناطق و بر اساس توان و استعداد متقاضیان برای ورود به نظام دانشگاهی جهت استفاده از امکانات مادی و معنوی ملی لازم و ضروری است (محمدی و همکاران، ۱۴۰۱).

هرچند مبرهن است که نظام آموزشی نسبت به سرنوشت، رشد و تکامل موفقیت‌آمیز و جایگاه محصلان علاقه‌مند است (منظری توکلی، ۱۳۹۹)؛ با این وجود، مطالعات انجام‌شده، حاکی از آن است که کنکور در کشور ما، نشاط، پویایی، مطالعه، ژرف‌اندیشی، ابتکار، مهارت و هنرورزی در برخی از داوطلبان را کاهش داده است و موجب پیامدهایی پس از کنکور در برخی از داوطلبان شده است (عسگری، کارشکی و مهرام، ۱۳۹۷)؛

¹ Barry

² Goedegebuure

³ Abdelaziz

موسوی، اسدپور و سوزنچی، ۱۴۰۲). این امر نیازمند تبیینی عمیق است اما به عنوان نمونه یکی از دلایل این است که داوطلبان با حجم زیاد و گسترده مطالب علمی و عملی مواجه هستند که صرفاً با تکیه بر نیروی حافظه نمی‌توان آن‌ها را به راحتی فرا گرفت (تفضلی، ۲۰۰۲). امروزه، تحقیقات نشان داده‌اند که داشتن تحصیلات و هوش منطقی بالا، به‌تنهایی تضمین‌کننده موفقیت دانش‌آموزان نیست (گلدمن، ۱۹۹۸). بنابراین بسیاری از نظام‌های آموزشی و دانشگاه‌های برتر جهان صرفاً از طریق آزمون ورودی، دانشجوی جدید نمی‌گیرند. به‌عنوان مثال دانشگاه‌های برتر ایالات متحده آمریکا در کنار نمرات پیشرفت تحصیلی و همچنین نمرات آزمون‌های استاندارد، فعالیت‌های فوق‌برنامه دانش‌آموزان و توانایی‌ها و استعداد‌های آن‌ها را نیز جزو ملاک‌های پذیرش محسوب می‌کنند. در این دانشگاه‌ها، برای پذیرش متقاضیان مجموعه توانایی‌ها و مدارک و درخواست‌های فرد را به‌طور کاملتری بررسی می‌کنند و نمره نهایی پذیرش فرد بر اساس مؤلفه‌های نسبتاً کاملتر و بدون مقایسه با بقیه افراد ارزیابی می‌شود. در کشورهای اروپایی همانند انگلستان نیز پذیرش غیرمتمرکز است و یکی از شرایط ورود به دانشگاه‌ها کسب گواهی آموزش عمومی دبیرستان است (طایبان، زندوانیان و شاکری، ۱۴۰۱). به‌طور کلی، پذیرش دانشجو برای ورود به دانشگاه‌ها در سایر کشورهای جهان نیز هرساله در حال انجام است و بر اساس تمرکز یا عدم تمرکز در این فرآیند می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم نمود (موسوی، اسدپور و سوزنچی، ۱۴۰۲):

- متمرکز: کشورهایی که همه یا بخش عمده‌ای از فرآیند پذیرش دانشجو در آنجا تحت نظارت و دخالت مستقیم دولت و یا نهادهای تعیین‌شده توسط آن صورت می‌گیرد.
- نیمه‌متمرکز (ترکیبی): کشورهایی که بخشی از فرآیند پذیرش دانشجو در آنجا، تحت نظارت و دخالت مستقیم دولت و یا نهادهای تعیین‌شده توسط آن صورت می‌گیرد.
- غیرمتمرکز: کشورهایی که هیچ بخشی از فرآیند پذیرش دانشجو در مراکز آموزش عالی آن‌ها تحت نظارت و دخالت مستقیم دولت و یا نهادهای تعیین‌شده توسط آن صورت نمی‌گیرد.
- همچنین کشورها را می‌توان بر اساس معیار ارزیابی و برگزاری یا عدم برگزاری آزمون سراسری، مستقل از آزمون‌های پایان دوره متوسطه، تقسیم‌بندی نمود:
- کشورهایی که یکی از شرایط پذیرش دانشجو در همه یا اکثر مراکز آموزش عالی آنها، شرکت در آزمون‌هایی است که جدا از آزمون‌های پایان دوره متوسطه یا پیش دانشگاهی (موسوم به آزمون‌های نهایی) برگزار می‌گردند؛
 - کشورهایی که برای پذیرش دانشجو در مراکز آموزش عالی آن‌ها، آزمون‌هایی جدا از آزمون‌های پایان دوره متوسطه یا پیش دانشگاهی برگزار نمی‌گردد و بر اساس عملکرد تحصیلی و یا آزمون دوره متوسطه ارزیابی می‌کنند. به عنوان مثال، در انگلستان نمره‌های آزمون نهایی دوره متوسطه، عامل اساسی در فرآیند سنجش و پذیرش محسوب می‌شود.
- جدول ۱- تقسیم‌بندی کشورها بر اساس نوع پذیرش

مؤلفه	رویکرد	کشورها
معیار ارزیابی	عملکرد تحصیلی	کانادا، نروژ، برخی دانشگاه‌های آمریکا
	آزمون دوره متوسطه	انگلیس، فرانسه، استرالیا، اتریش، ایرلند، مصر
	آزمون جداگانه	ژاپن، چین، ترکیه، گرجستان، آرژانتین، اسپانیا، بلغارستان، صربستان
میزان تمرکز	متمرکز	ژاپن، چین، ترکیه، گرجستان، اسپانیا، اتریش، ایرلند، مصر
	غیرمتمرکز	آمریکا، استرالیا، کانادا، نروژ
	نیمه‌متمرکز (ترکیبی)	انگلیس، فرانسه

نظام ورود به آموزش عالی، در همه کشور یک موضوع چندبعدی و پیچیده‌ای است. علاوه بر نوع آزمون، متغیرها و عوامل دیگری مثل غایت‌نگری و خودباوری، حمایت خانوادگی، قوانین و مقررات کشور، شرایط اقتصادی و نظام حقوق و دستمزد، امکانات آموزشی، هدایت تحصیلی و نوع برنامه درسی در نظام آموزش عمومی، هوش تحصیلی، پشتکار و برنامه‌ریزی (نیرمانی و میری، ۱۳۹۶) در نظام سنجش و پذیرش تأثیرگذار هستند.

¹ A-Level Test

کنکور با توجه به وضعیت فعلی و چندبعدی بودن آن، مسائل و مشکلات فراوان اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، روان‌شناختی، عمومی و اقتصادی در پی داشته است (یارمحمدیان و همکاران، ۱۳۸۴).

با توجه به اهمیت و جایگاه سنجش و پذیرش دانشجو و تأثیرات آن در ابعاد مختلف جامعه، در طول سال‌های اخیر، تحقیقات و مطالعات متعددی در زمینه نحوه پذیرش دانشجو در ایران صورت گرفته و سمینارها و نشستهای علمی متعددی توسط مسئولین و مجریان مربوطه در وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان سنجش و آموزش کشور و سایر دستگاه‌های دخیل در امر آموزش کشور به‌منظور یافتن جایگزینی مناسب برای ایجاد تحول در نظام سنجش و پذیرش دانشجو انجام شده است (مهرعلیزاده و همکاران، ۱۳۹۱). افراد حقیقی و حقوقی با موقعیت‌های متنوع اداری، آموزشی، اجرایی و غیره به انحنای گوناگون در وجوب و فایده شیوه رایج آزمون سراسری گزینش دانشجو تردید نموده؛ و بر ناکارآمدی و پیامدهای منفی شیوه فعلی نظام سنجش و پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مانند آسیب‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کنکور آموزشی، روان‌شناختی، مالی-تأکید کرده و درباره عواقب آشکار و نهان آن هشدار داده‌اند (فتح‌تبار و همکاران، ۱۴۰۰). لذا شایسته است که در مورد راهکارهای بهبود فرآیند سنجش و پذیرش در نظام آموزش عالی بررسی و تحلیل بیشتری شود.

جستجوی کلیدهای واژه‌های مرتبط با حکمرانی در آموزش عالی و نظام سنجش و پذیرش دانشجو و آزمون سراسری ورودی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی در کشور نشان داد که پژوهش‌های مختلفی در این زمینه انجام شده است که در ادامه به‌اختصار آن‌ها پرداخته می‌شود.

فتح‌آبادی و همکاران (۱۳۹۶) به روش کیفی - کمی (آمیخته) به بررسی تأثیر آزمون سراسری بر دانش‌آموزان و خانواده‌های ایرانی پرداخته است. بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهاد دادند که برای پذیرش در دانشگاه‌ها به معیارهایی همچون معدل و سایر مؤلفه‌های پرونده تربیتی - تحصیلی دانش‌آموزان اهمیت بیشتری داده شود و به جای تأکید بر شعار کلیشه‌ای حذف کنکور بر ظرفیت‌سازی اشتغال واقعی و شایسته‌سالاری تمرکز شود. همچنین بهبود کیفیت تمام دانشگاه‌ها و ارتقای ظرفیت‌های علمی و زیرساختی آنها می‌تواند از رقابت برای ورود به چند دانشگاه محدود بکاهد. آنها همچنین گزینش غیرمتمرکز دانشجو و برگزاری ادواری آزمون‌های ورودی را نیز توصیه کردند.

نیرمانی و میری (۱۳۹۶) در تحقیقشان به بررسی عوامل موثر بر موفقیت تحصیلی رتبه‌های برتر کنکور مبتنی بر نظریه زمینه‌ای پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مقوله‌های خودباوری، غایت‌نگری، علاقه و هوش تحصیلی در بخش عاملیت و شرایط محیطی و اجتماعی که در این مطالعه با مقوله‌های امکانات آموزشی، وجود مشوق بیرونی و الگوهای مناسب و نیز محیط‌های رقابتی مشخص می‌شوند در بخش ساختار قرار می‌گیرند که در تعامل با یکدیگر بر موفقیت تحصیلی تأثیر می‌گذارند. مشابهاً، عاشوری و همکاران (۱۳۹۹) به منظور کشف تجارب داوطلبان آزمون سراسری از پشت کنکور ماندن، به یک مطالعه نظریه زمینه‌ای مبادرت کردند. بر طبق یافته‌ها، پیشنهاد کردند که به دلیل نقش انگیزه موفقیت در کنکور، مشاوران مدارس انگیزش درونی داوطلبان کنکور را تقویت نمایند تا لذت از آموختن زمینه‌ساز تلاش مستمر، غلبه بر ناکامی‌ها و پیامدهای پشت کنکوری و حرکت به سمت موفقیت در کنکور گردد. همچنین ناآگاهی از راهبردهای صحیح مطالعه، مدیریت زمان و مدیریت تنیدگی نیز از جمله تجارب مهم پشت‌کنکوری‌ها بود که تأکید بیش از پیش آن از سوی مشاوران مدارس اهمیت دارد.

فتح‌تبار فیروزجائی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی که برای آسیب‌شناسی وضعیت سنجش و پذیرش دانشجو داشتند، در نهایت راهکارهایی چون کاهش تأکید بر حفظیات و توجه بیشتر به سایر مهارت‌های موردنیاز جامعه امروزی، استعدادها، علایق و توانمندی دانش‌آموزان، هدایت تحصیلی هوشمندانه و فرآیندمحور و انتخاب رشته متناسب با استعداد، علایق، و توانمندی دانش‌آموزان، تغییر از رویکرد هنجاری به شیوه ملاکی و حذف تدریجی کنکور را پیشنهاد دادند.

به منظور بررسی عوامل مؤثر بر وضعیت تحصیلی داوطلبان کنکور، شمس‌مورگانی و همکاران (۱۳۹۸) با استفاده از تکنیک آنتروپی شانون به پژوهش در این زمینه پرداخته‌اند. بر اساس یافته‌ها، حمایت مالی و بهبود شرایط اقتصادی رشته‌هایی همانند رشته‌های علوم انسانی را پیشنهاد دادند که موجب انگیزه بالاتری برای ادامه تحصیل و موفقیت داوطلبان در این رشته‌ها می‌شود.

طالبیان و همکاران (۱۴۰۱) در یک پژوهش نشان دادند که مقوله محوری ضرورت و پیچیدگی حذف کنکور است و سایر مقوله‌ها در پنج مقوله شرایط علی (دو مقوله)، شرایط مداخله‌گر محیطی (دو مقوله)، ویژگی‌های زمینه‌ای (سه مقوله)، راهبردها (دو مقوله) و پیامدها (دو مقوله) دسته‌بندی شدند. درباره ایده حذف کنکور، این پژوهش نشان داد که هرچند مسائلی چون رقابت‌های

ناسالم و مسائل روانی و جابه‌جا شدن اهداف آموزشی موجب ایجاد احساس ضرورت حذف شده، اما مسائلی همچون تقاضای بالا برای ورود به آموزش عالی فرآیند حذف را با پیچیدگی روبه‌رو کرده است.

موسوی و همکاران (۱۴۰۲) در بررسی پیامدهای نظام سنجش و پذیرش دانشجو بر مدرسه، دانشگاه و خانواده به این نتیجه رسیدند که تمرکز پذیرش دانشجو بر کنکور فعلی، موجب کم رنگ شدن اهداف آموزشی و تربیتی در مدارس و جهتی‌گری نامناسب دانش آموزان به سمت رشته‌های موردعلاقه و متناسب با استعدادشان شده است و علاوه بر ایجاد فشارهای مالی و تنش‌های روانی بر خانواده‌ها، نظام آموزش عالی را تحت فشار قرار داده است؛ از جمله عدم تناسب عرضه با تقاضا آمایش آموزش عالی را کم توان نموده است.

با مطالعه پیشینه و بررسی پژوهش‌های فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که در اغلب پژوهش‌های مشابه، تغییرات در وضعیت کنونی کنکور سراسری به‌عنوان یک مقوله اساسی در تحقق حکمرانی در نظام سنجش و پذیرش دانشجو موردتوجه صاحب‌نظران و پژوهشگران بوده است. همچنین پژوهش‌ها از زوایای دیگری به‌ویژه از نگاه داوطلبان به فرآیند سنجش و پذیرش پرداخته‌اند و به ابعاد مختلف راهکارها به ویژه از منظر حکمرانی و سیاستی توجه کافی نشده است. در حقیقت، اغلب پژوهش‌های حکمرانی در نظام آموزش عالی ایران، بر کلیت آن متمرکز شده‌اند و یا به حکمرانی درونی در دانشگاهها پرداخته‌اند و لذا پژوهش منسجمی در موضوع حکمرانی موثر در نظام سنجش و پذیرش یافته نشده. در نتیجه در پژوهش فعلی تلاش شده است مبتنی بر نگاه صاحب‌نظران و خبرگان علمی و اجرایی مرتبط با سنجش و پذیرش دانشجو و با نگاهی نسبتاً جامع، راهکارهای مناسبی جهت پیاده سازی یک حکمرانی موثر برای نظام سنجش و پذیرش تدوین گردد تا سیاستگذاران و مدیران ارشد حوزه سنجش و پذیرش دانشجو بتوانند مبتنی بر آن تغییرات مناسبی را برنامه‌ریزی، تدوین و اجرا کنند و تغییرات محسوسی اتفاق افتد.

روش پژوهش

به منظور شناسایی راهکارهای تحقق حکمرانی موثر در نظام سنجش و پذیرش دانشجو در کشور با تمرکز بر کنکور سراسری از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل خبرگان و صاحب‌نظران آموزش عالی و سنجش و پذیرش، افراد باتجربه و مسئولان بخش‌های مختلف سنجش و پذیرش بوده است. برای انجام این پژوهش، ابتدا افراد مطلع و کلیدی شناسایی شدند. معیار انتخاب افراد داشتن تجارب پژوهشی مرتبط یا داشتن تجارب کاری مرتبط با سنجش و پذیرش دانشجو یا حوزه آموزش بوده است. لذا داشتن فقط سابقه مسئولیت برای انتخاب کفایت نمی‌کرد و در بین مسئولان فعلی و سابق، کسانی انتخاب شدند که در این زمینه از تخصص و سواد کافی نیز برخوردار بودند. در نتیجه اغلب مصاحبه‌شوندگان صاحب‌نظر در زمینه سیاستگذاری، سنجش و ارزشیابی، علوم تربیتی، آموزش عالی، مدیریت و یا روانشناسی بوده‌اند که در نظام آموزشی کشور دارای تجربه پژوهشی یا اجرایی مرتبط نیز بوده‌اند. برای اجرای این پژوهش، در مرحله اول داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با نمونه آماری فوق گردآوری شد. با توجه به فرآیند مصاحبه نظرات بیست و هفت نفر دریافت شد. روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند بوده است و در این روش، پژوهشگران با توجه به اهداف تعیین‌شده نمونه‌ای را انتخاب کردند و فرآیند گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که به اشباع نظری برسند. مصاحبه‌ها در جلساتی که از قبل تعیین شده بودند و با حضور یک یا هر دو محقق برگزار می‌شد. سوالات اصلی مبتنی بر هدف پژوهش طراحی شده بودند از جمله از آنها خواسته میشد تا ضمن تشریح مشکلات اصلی در ابعاد مختلف نظام سنجش و پذیرش فعلی، به تشریح راهکارها و ایده‌های بهبود آن از منظر تخصص و تجربه‌ای که داشتند، بپردازد. البته سوالات با توجه به تجربه و تخصص مصاحبه‌شونده تغییرات جزئی می‌کرد و در حین مصاحبه نیز سوالات دیگری باتوجه به جواب‌ها مطرح میشدند. مصاحبه‌شونده آزاد بود تا نظرات خود را اعلام کند. پس از انجام هر مصاحبه، فایل صوتی مصاحبه توسط محققان شنیده‌شد و تمام صحبت‌های انجام‌شده در نرم‌افزار ماکروسافت ورد پیاده‌سازی شد و از این طریق متن مکتوب تمام صحبت‌ها تهیه شد. مشخصات صاحب‌نظران کلیدی و مشارکت‌کننده در بخش مصاحبه در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه آماری برای مصاحبه

ردیف	سمت	سازمان	سمت	سازمان
۱	استادتمام و صاحب‌نظر	سازمان سنجش آموزش کشور	۱۵	استادتمام و صاحب‌نظر
				دانشگاه خواجه نصیر

۲	صاحب‌نظر	دانشگاه علامه طباطبائی	۱۶	استادتمام و صاحب‌نظر	دانشگاه الزهرا
۳	استادتمام و معاون سابق	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۷	استادتمام و وزیر سابق	وزارت آموزش و پرورش
۴	صاحب‌نظر	دانشگاه صنعتی شریف	۱۸	استادتمام و نماینده	مجلس شورای اسلامی
۵	دانشیار و صاحب‌نظر	بنیاد ملی نخبگان	۱۹	استادتمام و رئیس سابق	بنیاد ملی نخبگان
۶	استادیار و معاون	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۲۰	استادتمام و معاون وزیر	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
۷	استادتمام و صاحب‌نظر	دانشگاه تهران	۲۱	کارشناسی ارشد و صاحب‌نظر	وزارت آموزش و پرورش
۸	استادتمام و دبیر کمیسیون	شورای عالی انقلاب فرهنگی	۲۲	استادتمام و رئیس سابق	دانشگاه صنعتی شریف
۹	صاحب‌نظر و معاون وزیر	وزارت آموزش و پرورش	۲۳	استادیار و صاحب‌نظر	ستاد تعلیم و تربیت
۱۰	استادتمام و معاون سابق	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۲۴	استادتمام و صاحب‌نظر	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
۱۱	استادتمام و نماینده	مجلس شورای اسلامی	۲۵	مدیرکل	شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۲	استادتمام و معاون وزیر	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۲۶	دانشیار و معاون سازمان	سازمان سنجش آموزش کشور
۱۳	استادتمام و معاون وزیر	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۲۷	استادیار و صاحب‌نظر	ستاد علم و فناوری
۱۴	صاحب‌نظر	شورای عالی انقلاب فرهنگی			

محتوای مصاحبه‌های انجام شده به روش تحلیل مضمون بررسی شد تا بر مبنای فهم و تجربه خبرگان مورد مصاحبه، چهارچوب و فهم معتبری از راهکارهای بهبود نظام سنجش و پذیرش دانشجو و تحقق یک حکمرانی بهتر تهیه گردد. روش تحلیل مضمون به عنوان روشی موثر برای شناخت الگوهایی از معانی و موضوعات در داده‌های کیفی شناخته می‌شود. هدف از بهره‌گیری از این روش، کشف و شناخت الگوهای معنایی و موضوعی آشکار و پنهان در اطلاعات گردآوری شده از مصاحبه‌هاست. به همین دلیل، این روش نیازمند فرآیندی رفت و برگشتی میان مجموعه داده‌ها و کدهایی است که از دل داده‌ها اکتشاف شده است. در نهایت تحلیل داده‌ها و الگوهای حاصله انجام شد. در این فرآیند، محققان به بررسی گزاره‌های کلامی مصاحبه‌شوندگان در قالب مصادیق عینی، استعارات و مفاهیم می‌پردازند و طی بازخوانی چندین باره، مفاهیم اولیه و مضامین مرتبط احصاء می‌شود. بر همین اساس بعد از مطالعه متن هر یک از مصاحبه‌ها، قسمت‌هایی که با توجه به سؤالات پژوهش و اهداف تحقیق می‌توانست به عنوان یک کد اولیه در نظر گرفته شود، مشخص شد و به عنوان مفهوم اولیه انتخاب گردید. در ادامه، مفاهیم اولیه در طبقه‌ای بالاتر که دارای اشتراک بودند در قالب شرایط مؤثر بر جامعه‌پذیری علمی در نظر گرفته شدند و در نهایت مضامین اصلی احصاء شدند.

برای تحلیل مضمون داده‌های حاصله از مصاحبه‌های انجام‌شده، مراحل زیر انجام شد:

- ۱- مرور داده‌ها: در این مرحله مصاحبه پیاده‌سازی و مکتوب شد و مورد مطالعه قرار گرفت. در این مرحله پژوهشگران برای آشناسدن با عمق و گستره داده‌های گردآوری‌شده از بیست و هفت مصاحبه فوق، از فرایند غوطه‌ور شدن در داده‌ها استفاده کردند که شامل خوانش داده‌ها بصورت مکرر و جستجوی الگوها و معانی داده‌ها بود.
- ۲- کدگذاری داده‌ها: در مرحله بعدی پژوهشگران به ایجاد کدهای اولیه که از نظر محقق جالب و معنادار بودند، بر اساس داده‌های گردآوری‌شده اقدام نمودند. این کدها، در واقع مضامین پایه محسوب می‌شوند که بر اساس آنها مضامین سطوح بالاتر ساخته شدند.
- ۳- استخراج مضامین: در مرحله سوم، کدهای اولیه و نکات کلیدی مصاحبه‌ها با یکدیگر ترکیب و تلفیق شدند تا بر اساس آنها مقولات و مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر احصاء شوند. سپس در یک فرآیند رفت و برگشتی بین متن و مضامین فرعی بر اساس بررسی مکرر داده‌ها و پالایش مضامین فرعی، مضامین فراگیر و اصلی استخراج شدند. به این ترتیب داده‌های در دستهبندی‌های منطقی و منسجم قرار گرفتند.

۴- تدوین گزارش نهایی: چهارچوب مقولات و مضامین به همراه توضیحات مربوط به مراحل کدگذاری ارائه و توضیح داده شد و برخی از نمونه‌های داده‌ها، ارائه شد و نتایج تحلیل با سؤالات پژوهش و همچنین مبانی نظری مرتبط گردید.

۵- تکمیل و اعتباریابی الگوی نهایی: بررسی صحت علمی مطالعات کیفی شامل چهار معیار قابلیت اعتبار، قابلیت ثبات، تأییدپذیری و قابلیت انتقال می‌شود. برای کسب قابلیت اعتبار در این پژوهش تلاش شد تا اولاً از روش خودبازبینی پژوهشگر استفاده شود ثانیاً تلاش شد تا مصاحبه‌شوندگان با تنوع در تجربیات انتخاب شوند. همچنین مصاحبه‌ها تا بیست و هفت صاحب‌نظر ادامه یافت تا به مرحله اشباع نظری رسانده شد و مناسبترین واحد معنایی انتخاب شد. ثالثاً اعتبار داخلی تحلیل محتوی از طریق روایی صوری ارزیابی شد و به منظور روایی محتوی، علاوه بر بازبینی کدها و متن‌های مصاحبه‌ها، در مواردی که منظور مصاحبه‌شونده به درستی درک نشده بود، با تعامل یا تماس با وی، شفاف‌سازی شد. جهت افزایش ثبات نیز از روش بررسی دقیق داده‌ها توسط یک ناظر خارجی از بین متخصصان مرتبط استفاده گردید. برای تأییدپذیری پژوهش نیز فرآیند انجام کار در اختیار گروه کانونی متشکل از سه تن از متخصصان تعلیم و تربیت که در این زمینه صاحب تالیفات و تجربه پژوهشی مرتبط بودند، قرار داده شد و صحت نحوه انجام پژوهش تأیید گردید.

یافته‌ها

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها حاکی از آن است که رسیدن به یک حکمرانی موثر در نظام سنجش و پذیرش با پیاده سازی راهکارهای مختلف در سطوح و ساخت‌های گوناگون قابل بررسی و ارزیابی است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که راهکارهای بهبود نظام سنجش و پذیرش و رسیدن به حکمرانی مطلوب در این نظام، در سطوح هفت‌گانه قابل دسته‌بندی است و هرکدام از آن‌ها در بردارنده ابعاد مختلف جهت ارتقای نظام سنجش و پذیرش خواهند بود: (۱) یکپارچگی حکمرانی، (۲) بهینه سازی فرآیند سنجش، (۳) بازنگری در فرآیند پذیرش، (۴) تقویت هدایت تحصیلی و شغلی، (۵) بازنمایی مدیریت نهادی، (۶) الزامات اقتصادی و اجتماعی و (۷) اصلاحات رویکردی.

۱- یکپارچگی حکمرانی

یکپارچگی حکمرانی یکی از راهکارهای اساسی برای بهبود نظام سنجش و پذیرش و عملی شدن حکمرانی خوب و موثر است. در این دسته، تعداد هفده مضمون پایه و دو مضمون سازمان‌دهنده احصاء شدند. در جدول شماره ۳ کدهای منبع محور یکپارچگی حکمرانی در نظام سنجش و پذیرش ارائه شده است.

جدول ۳: یکپارچگی حکمرانی

مضمون فراگیر	مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده
یکپارچگی حکمرانی	همانگی لازم بین سه قوا (م۱) - شورا سیاست‌گذاری‌های اصلی را انجام دهد و قانون‌گذاری از مجرای مجلس (م۱) - تقسیم کار نهادی (م۲) - نگاه جامع در تصمیمات (م۳، م۱۰، م۸) - توجه قانون‌گذار به تمامی جهات (م۳) - مشخص کردن وظایف سیاست‌گذارهای مختلف در کنکور (م۱۷)	بهینه‌سازی تعاملات فرانهادی (۸)
	ارزیابی مشترک بین آموزش و پرورش، سازمان سنجش و مصاحبه دانشگاه (م۲۳) - تقویت همانگی آموزش و پرورش و آموزش عالی (م۴، م۱۹) - ایجاد ساختار یکپارچه در برنامه‌ریزی آموزشی بین وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (م۶) - ایجاد ارتباط منظم بین وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه آزاد اسلامی (م۱۶) - نظارت نهادهای سیاست‌گذار بر فرآیند سنجش و پذیرش (م۱۸، م۱) - هم‌ترازی بین سیاست‌های آموزش و پرورش و آموزش عالی (م۱۷) - راهبری شورای عالی انقلاب فرهنگی بر فرآیند سنجش و پذیرش (م۱)	نظارت قانونی و راهبری فرانهادی (۹)

۲- بهینه‌سازی فرآیند سنجش

یکی دیگر از راهکارها، بهینه‌سازی فرآیند سنجش و محتوای آزمون سراسری و فرآیند برگزاری آن است. لذا این بخش بیشتر بر چگونگی برگزاری آزمون سنجش متمرکز است و تعداد سی و نه مضمون پایه و پنج مضمون سازمان‌دهنده احصاء شده که در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول ۴: بهینه‌سازی فرآیند سنجش

مضمون فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه
بهینه‌سازی فرآیند سنجش	سنجش ساحت‌های مختلف تربیتی (۶)	آزمون بر اساس اهداف آموزش و پرورش (۴م) - توجه به اهداف آموزش پرورش با برگزاری آزمون هوش و خلاقیت (۵م) - سنجش همه شش‌ساحت تربیتی (۵م، ۱۷م) - توجه به سابقه تحصیلی در سنجش (۵م) - توجه بیشتر به محتوای کتاب‌های درسی آموزش و پرورش (۱۹م)
	تعدد و تنوع آزمون کنکور (۸)	برگزاری کنکور بیش از یک بار سال (۵م) - تنوع در آزمون‌های سنجش (۱۵م) - برگزاری کنکور در چند نوبت (۵م، ۳۰م) - متنوع نمودن ملاک‌ها برای ورود به دانشگاه (۳م) - اعتباردهی به کنکور و استفاده همزمان از روش‌های جایگزین کنکور (۲۰م) - آزمون استعدادیابی و هوش به عنوان آزمون دوم (۱۵م، ۱۳م)
	برگزاری آزمون‌های تشریحی و هوشمند (۵)	کاهش رویکرد تست‌زنی در کنکور (۶م، ۱۲م) - برگزاری آزمون‌های بدون کاغذ (۱۰م، ۱۶م) - آزمون استاندارد و هوشمند (۳م)
	سنجش عمیق و چندوجهی (۱۰)	برگزاری آزمون علمی آن‌هم در سطوح بالای شناختی (۱۸م) - سنجش عمق یادگیری (۳م) - در نظر گرفتن همه شایستگی‌ها و صلاحیت‌ها در آزمون‌ها (۴م) - توجه به استعدادها و ویژگی‌های شخصیتی در کنکور (۶م) - سنجش مهارت‌های حل مسئله، ایده‌پردازی و نوآوری و شناخت مسائل اجتماعی فرهنگی (۵م) - توجه به صلاحیت‌ها و توانمندی‌های حرفه‌ای شرکت‌کنندگان (۱۵م) - توجه به سهم دروس عمومی در فرآیند سنجش به دلیل پرورش افراد مستعد در همه جنبه‌ها (۱۸م، ۲۳م) - امکان ارزیابی چندوجهی (۱۹م) - ارزیابی داوطلبان از منظر سلامت جسمی و شخصیتی (۱۹م)
	برگزاری آزمون نهایی استاندارد (۱۰)	ایجاد بانک سؤالات مناسب در آزمون نهایی (۲۵م) - امکان شرکت در آزمون‌های نهایی متعدد (۲۵م) - ایجاد نظام تصحیح الکترونیک در آزمون نهایی (۲۵م، ۱۲م) - ایجاد آزمون نهایی در دو سال آخر متوسطه (۳۰م) - آزمون نهایی استاندارد توسط آموزش و پرورش (۵م، ۱۲م) - بالابردن امنیت آزمون‌ها خصوصاً آزمون‌های نهایی (۱۶م، ۴م) - تغییر معیار معدل از صفر تا ۲۰ به صفر تا ۱۰۰ (۱۷م)

۳. بازنگری در فرآیند پذیرش

از نظر صاحب‌نظران بخش قابل‌تأملی از راهکارهای ارتقای سنجش و پذیرش برای ورود به دانشگاه‌ها، مربوط به بازنگری در فرآیند پذیرش است. صاحب‌نظران و ذی‌نفعان اعتقاد داشتند لازم است فرآیند پذیرش از سنجش جدا شود و استقلال کافی به دانشگاه داده‌ها در بخش پذیرش داده شود. در این بخش، سی و هشت مضمون پایه و پنج مضمون سازمان‌دهنده احصاء شد که در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

جدول ۵: بازنگری در فرایند پذیرش

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
بازنگری در فرایند پذیرش	پذیرش تدریجی پزشکی از مقطع کارشناسی (۴)	پذیرش دانشجو در رشته‌های پزشکی از مقطع لیسانس در حد ۱۰ تا ۱۵ درصد ظرفیت (۱۳م و ۱۴م) - پذیرش تدریجی پزشکی از مقطع کارشناسی (۴م) - جذب دانشجوی پزشکی از دوره کارشناسی به صورت آزمایشی (۱۸م)
	اختیار به دانشگاه‌ها در فرآیند پذیرش (۸)	اختیار به دانشگاه‌ها در بخش پذیرش (۵م، ۲۶م) - اختیار به دانشگاه‌ها برای انتخاب دانشجو (۳م) - اختیار تعیین حداقل نمره به دانشگاه‌ها برای برخی دروس تخصصی (۱۸م) - ایجاد ضوابط توسط دانشگاه‌ها (۱۸م) - اعتماد به دانشگاه‌ها در پذیرش و پرکردن ظرفیت‌ها (۱۵م) - اختیار تعیین حدنصاب به دانشگاه‌ها (۳۰م) - پذیرش نهایی بر عهده دانشگاه‌ها (۲۹م)
	ظرفیت پذیرش مبتنی بر آمایش (۱۱)	میزان پذیرش هر رشته بر اساس آمایش (۱م) - عملیاتی شدن آمایش آموزش عالی (۱۱م، ۱۵م، ۱۸م، ۷م) - ساماندهی ملاک‌های ورود به مراکز آموزش عالی با توجه به خواسته و نیاز دانشگاه‌ها و کشور (۳م) - هماهنگی بین نسبت تعداد ورودی‌ها به تعداد متقاضیان (۵م) - پذیرش دانشجو بر اساس نیازهای جامعه و داوطلبان (۴م) - پذیرش دانشجو مهارت‌یابی و استعدادیابی (۴م) - برآورد نیاز فعلی و آینده کشور (۷م) - اشتغال‌زا بودن این رشته‌ها (۱۳م)
	نظارت بر پذیرش دانشگاه (۶)	نظارت بر پذیرش دانشگاه (۱م) - پاسخگونی نمودن دانشگاه در بخش پذیرش (۵م) - نظارت بر درآمد دانشگاه‌ها ناشی از پذیرش (۱۳م) - اصلاح نظام پذیرش دانشگاه (۱۴م) - تقویت ساختار نظارتی در صورت اعطای اختیار به دانشگاه (۴م) - توجه به نظارت در فرآیند پذیرش (۲۸م)
	تنوع در پذیرش (۹)	امکان تحصیل دانشجویان در رشته دوم (۱۷م) - متنوع بودن امکان ادامه تحصیل (۱۳م) - توجه به تنوع و تفاوت‌های مأموریتی و سطوح علمی دانشگاه‌ها در فرآیند پذیرش دانشجو (۱۷م) - آزمون تشریحی توسط دانشگاه‌ها بعد از کنکور (۱۸م) - پذیرش خارج از کنکور (۱م) - امکان تغییر رشته محل پس از قبولی (۶م، ۱۲م) - ایجاد مسیرهای مختلف برای ورود به دانشگاه (۱۷م) - افزایش رشته‌های دکتری پزشکی (تنوع بخشی) (۱۳م)

۴. تقویت هدایت تحصیلی و شغلی

هدایت تحصیلی و شغلی برای تحول در فرآیند سنجش و پذیرش دانشجو ضروری است و موجب رضایت بیشتر جامعه مخاطب می‌گردد و جلوه بهتری از حکمرانی را محقق می‌کند. در این سطح تعداد بیست مضمون پایه و سه مضمون سازمان دهنده در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول ۶: تقویت هدایت تحصیلی و شغلی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
--------------	---------------------	-------------

تقویت هدایت تحصیلی و شغلی	توجه به مشاوره و هدایت تحصیلی در آموزش و پرورش (۷)	تحقق نظام‌های مشاوره و هدایت تحصیلی (۵م) - هدایت تحصیلی دقیق و مبتنی بر اسلوب علمی (۵م) - هدایت تحصیلی مناسب در آموزش و پرورش (۱۱م) - آگاهی بخشی به دانش‌آموزان در زمان انتخاب رشته پیرامون موضوع شغل و جایگاه اجتماعی مشاغل (۱۷م) - استفاده از ظرفیت آموزش و پرورش و قدرت بالای این مجموعه برای استعدادیابی و هدایت تحصیلی (۱۸م) - راهبری موضوع هدایت تحصیلی و استعدادیابی در آموزش و پرورش (۱۸م) - استفاده از ظرفیت آزمون نهایی برای هدایت تحصیلی مناسب (۲۰م)
	هدایت تحصیلی مبتنی بر نیاز و استعداد (۸)	تجمیع علاقه داوطلبان و نیاز آینده کشور (۵م) - لزوم خط‌دهی مشاوران تحصیلی به داوطلبان بر اساس نیازها و اولویت‌های کشور (۶م) - توزیع استعدادها در همه رشته‌ها (۷م) - افزایش مهارت‌های کارآفرینی در تحصیل پیش از دانشگاه (۱۳م) - توجه ویژه به بحث هدایت تحصیلی در مورد شناسایی دقیق استعدادها برای جذب در دانشگاه‌ها بر اساس استعداد واقعی و توانایی بالقوه افراد (۱۵م) - توجه به علاقه و استعداد داوطلبان (۶م) - انتخاب رشته بر اساس ترجیحات شخصی، علاقه و استعداد (۱۳م) - استخراج الگوی عملی برای اصلاح گرایش داوطلبان به علوم تجربی در دوره تحصیل در آموزش و پرورش (۱۴م)
	افزایش مشاوران هدایت تحصیلی در مدارس (۵)	افزایش مشاوران هدایت تحصیلی در مدارس (۱۸م) - تربیت متخصصان هدایت تحصیلی در آموزش و پرورش (۱۹م) - توجه به طرح شهاب (شناسایی و هدایت استعدادها برای هدایت تحصیلی مناسب (۲۲م) - پررنگ‌تر شدن نقش مشاوران تحصیلی (۱۲م، ۲۳م)

۵. بازنمایی مدیریت نهادی

از نظر مشارکت‌کنندگان در مطالعه انجام‌شده، سازمان سنجش آموزش کشور و شورای سنجش و پذیرش دانشجو نیاز به بازبینی و اصلاح دارند. در این دسته تعداد نه مضمون پایه و دو مضمون سازمان‌دهنده به شرح جدول شماره ۷ احصاء شدند.

جدول ۷: بازنمایی مدیریت نهادی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
بازنمایی مدیریت نهادی	افزایش نقش دانشگاه در شورای سنجش و پذیرش (۴)	تقویت نقش دانشگاه‌ها در شورای سنجش و پذیرش (۸م) - عضویت روسای دانشگاه در شورای سنجش و پذیرش (۱۵م) - کاهش تراکم کاری سازمان سنجش (۳م)
	استقلال سازمان سنجش (۵)	استقلال سازمان سنجش (۱۰م، ۶م) - خارج شدن سازمان سنجش از ذیل یک وزارتخانه (۱۲م، ۱۰م) - سازمان سنجش متولی سنجش آموزش نظام آموزش کشور (۳م)

۶. الزامات اقتصادی و اجتماعی

از نظر خبرگانی که در مصاحبه شرکت داشتند، تحقق حکمرانی مطلوب در این عرصه بدون انجام اصلاحات فرهنگی و اقتصادی امکان‌پذیر نیست. در این دسته تعداد شانزده مضمون پایه و دو مضمون سازمان‌دهنده به شرح جدول شماره ۸ احصاء شدند.

جدول ۸: الزامات اقتصادی و اجتماعی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
الزامات اقتصادی و اجتماعی	ساماندهی مؤسسات کنکوری (۵)	قطع ارتباط احتمالی طراحان سؤالات کنکور با مؤسسات آموزشی غیرانتفاعی (م۲۵)- مدیریت اقتصاد و مافیای کنکور (م۲۴)- هدایت مؤسسات کنکوری در راستای کیفیت آموزش (م۳)- کاهش اقتصاد کنکور و گردش مالی آن (م۱۷، م۲۱)
	گفتمان سازی فرهنگی (۱۱)	بازگرداندن آرامش به خانواده‌ها و داوطلبان (م۴)- کاهش استرس داوطلبان (م۳)، م۱۶، م۱۳، م۲۴- ایجاد شأن اجتماعی برای همه رشته‌ها و شغل‌ها (م۲)- کاهش مدرک‌گرایی (م۳)- هدایت دیدگاه‌های والدین (م۶، م۱۲)- بهبود جایگاه شغلی رشته‌ها (م۱۳)- توجه به ساختارها و نگاه‌های اجتماعی به رشته‌ها (م۲۱)

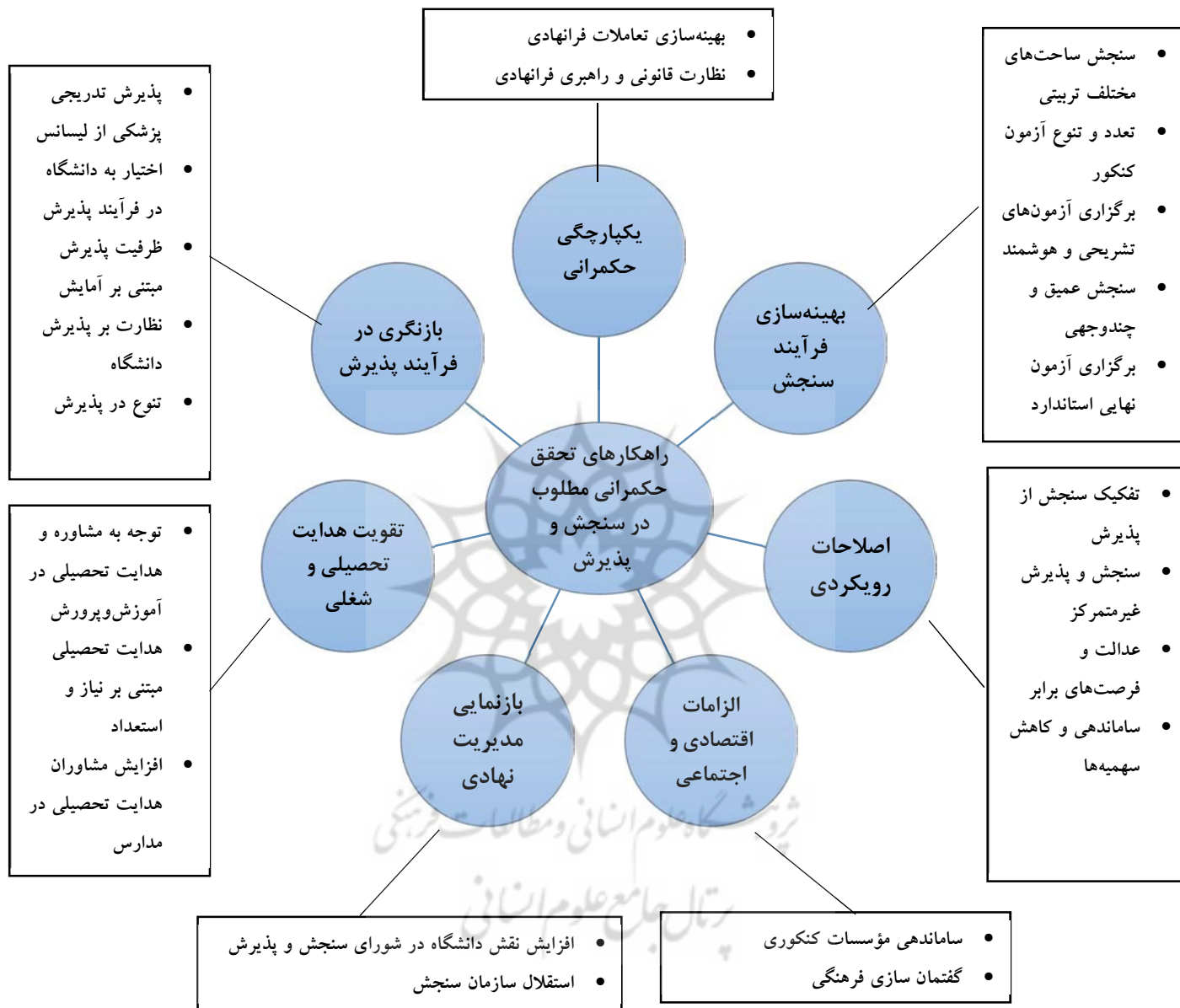
۷. اصلاحات رویکردی

صاحب‌نظران و خبرگان راهکارهای بنیادی و رویکردی برای اصلاح وضعیت فعلی را در جهت بهبود آن ضروری می‌دانستند. از جمله با تفکیک سنجش و پذیرش و غیرمتمرکز کردن نظام سنجش و پذیرش، انتظار می‌رود وضعیت مطلوب‌تری محقق گردد. در این دسته تعداد سی و شش مضمون پایه و چهار مضمون سازمان‌دهنده به شرح جدول شماره ۹ احصاء شدند.

جدول ۹: اصلاحات رویکردی

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
اصلاحات رویکردی	تفکیک سنجش از پذیرش (۸)	اصل تفکیک سنجش و پذیرش (م۵، م۲، م۱۲، م۲۱، م۶، م۱۰)- تفکیک سنجش از پذیرش با توجه به زیرنظام‌های آموزش عالی (م۲۷)- مشخص کردن متولی برای نظام پذیرش (م۲۴)
	سنجش و پذیرش غیرمتمرکز (۸)	تمرکززدایی پله‌ای از سنجش (م۵، م۱۶)- تمرکززدایی پله‌ای از پذیرش (م۵)- سنجش و پذیرش غیرمتمرکز (م۱۶)- ایجاد نظام غیرمتمرکز (م۱۸)- مدل پلکانی غیرمتمرکز کردن کنکور (م۱۸، م۵)- سناریو تمرکززدایی پله‌ای از سنجش و (م۱۶) پذیرش غیرمتمرکز (م۱۶)
	عدالت و فرصت‌های برابر (۶)	ایجاد فرصت‌های برابر در کنکور (م۲۱)- کاهش منافع سیاسی یا فردی (م۱۶)- جهت‌گیری عادلانه با توجه به شرایط موجود (م۹)- ایجاد فرصت‌های مختلفی برای اثبات توانمندی علمی داوطلبان (م۱۳)- تأمین عدالت کیفری (م۴)- افزایش پذیرش در مناطق کم برخوردار (م۱)
	ساماندهی و کاهش سهمیه‌ها (۱۴)	ساماندهی سهمیه‌ها از طریق مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی (م۵)- ساماندهی سهمیه‌ها (م۵)- تغییر سهمیه‌ها و حذف سهمیه هیئت علمی‌ها (م۷)- ساماندهی تمام سهمیه‌ها (م۷، م۵، م۱۸، م۲۴)- ساماندهی سهمیه‌ها بر اساس نیاز کشور (م۱۵)- توجه به بومی-گزینی (م۵)- سهمیه‌بندی بر اساس جنسیت (م۷)- کاهش انواع سهمیه‌ها (م۱۲، م۳۰، م۶)- بالابردن حدنصاب در رشته‌های حساس (م۳۰)- احیای شأن علمی با کاهش سهمیه‌ها (م۷)

نمودار ۱: راهکارهای تحقق حکمرانی مطلوب در نظام سنجش و پذیرش دانشجو



بحث و نتیجه‌گیری

سنجش و پذیرش دانشجو در ایران، علی‌رغم تغییرات و تحولاتی که در طول دهه‌های مختلف داشته است، به جز برخی سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، غالباً مبتنی بر برگزاری آزمون متمرکز بوده است. به دلایل مختلف از جمله تمایل و تب زیاد خانواده‌ها به ادامه تحصیل فرزندان‌شان در دانشگاه، همواره تغییرات در نظام سنجش و پذیرش دانشجو با حساسیت زیادی در جامعه دنبال می‌شود و لذا هرگونه تغییری معمولاً با فضای رسانه‌ای و شایعات همراه بوده است. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر که برگرفته از تحلیل دقیق نظرات خبرگان و صاحب‌نظران این عرصه است؛ حکمرانی خوب و موثر در نظام سنجش و پذیرش و بهبود این دو فرآیند با هدف انتخاب افراد شایسته برای ورود به دانشگاه و کاهش مشکلات جانبی و پیامدهای منفی برای جامعه، با تحقق راهکارها و اصلاحات ذیل محقق می‌شود:

۱. **یکپارچگی حکمرانی.** سنجش و پذیرش دانشجو در سطح کلان نیازمند راهبری فرآیندهای، نظارت بهینه و قانونی و نیز بهینه‌سازی تعاملات مابین دستگاه‌های مسئول و کلان است تا با تحقق این یکپارچگی، سیاستگذاری در حکمرانی سنجش و پذیرش محقق شود. عدم هماهنگی نهادها موجب آشفتگی حکمرانی می‌گردد. از ابتدای انقلاب تاکنون، شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی مصوبات متعددی برای سنجش و پذیرش داشته‌اند. هرچند شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه سابقه طولانی تری دارد و مصوبات متعددی در زمینه سنجش و پذیرش دانشجویان همانند مصوبات بومی‌گزینی و سهمیه مناطق، سهمیه شاهد و خانواده شهدا، پذیرش بدون کنکور برگزیدگان المپیادهای جهانی و... دارد؛ اما در سال‌های اخیر و با تشکیل شورای سنجش و پذیرش دانشجو در سازمان سنجش آموزش کشور و با حضور دستگاهها و وزارتخانه‌های مسئول، تصمیم‌گیری‌های اجرایی به این شورا واگذار شد. تصویب این شورا بخشی از قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی است که بعداً شورای عالی نیز این شورای تخصصی را به رسمیت شناخت. اما این شورا، صرفاً می‌تواند ذیل مصوبات مجلس و شورای عالی تصمیم‌گیری کند و قادر به اصلاح، به‌روزرسانی و یا حذف این قوانین و سیاست‌ها نیست. به نظر می‌رسد ضرورت دارد که شورای عالی و مجلس هر کدام به صورت جداگانه و در تعامل با یکدیگر مصوبات چهاردهه اخیر را بازنگری، به‌روزرسانی و هماهنگ نمایند. جدیت بیشتر در نظارت بر قوانین توسط این دو نهاد قانونگذار، همچنین تقویت اعضا و پاسخگوتر نمودن شورای تخصصی و تدقیق اختیارات آن، زمینه را برای یکپارچگی در راهبری و سیاستگذاری سنجش و پذیرش دانشجو فراهم‌تر می‌کند و این شورای تخصصی بازوی اجرایی مناسب‌تری برای عمل به سیاستگذاری‌ها و مصوبات شورای عالی و قوانین مجلس خواهد بود. یافته‌های پژوهش در این بخش با سایر پژوهش‌ها چون باقری‌مقدم و احمدی (۱۳۹۷) همخوانی دارد. بر طبق نتایج پژوهشی آنها، لازم است قوانین و نهادهای متولی حکمرانی آموزش عالی ساماندهی شوند تا ضمن پرهیز از کارهای تکراری، ساختاری پویا شکل گیرد و ارتباط مابین نهادها و وزارتخانه‌ها و ذینفعان بهبود یابد و در نتیجه مأموریت دستگاه‌های مختلف مشخص گردد که مانع از انجام سلیقه‌ای و ناهماهنگ کارها می‌گردد.

۲. **بهینه‌سازی فرآیند سنجش.** فرآیند سنجشی که مبتنی بر برگزاری یک کنکور در سال از تمام کتب درسی و به صورت سوالات چهارجوابی (تستی) باشد؛ قادر نیست ساحت‌های مختلف تربیتی مدنظر در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را پوشش دهد و غالباً ابزار مناسبی برای سنجش قوای حفظی داوطلبان و برخی دیگر از توانمندی‌های علمی آنهاست. علاوه بر ساحت علمی-فناورانه، ساحت‌های اعتقادی-اخلاقی، زیبایی‌شناختی-هنری، زیستی-بدنی، اجتماعی-سیاسی و اقتصادی-حرفه‌ای در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد تأکید هستند و به نظر می‌رسد آزمون سراسری سایر ساحت‌ها را نمی‌سنجد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). البته ارزیابی این ساحت‌ها در یک آزمون شدنی نیست و به نظر می‌رسد افزایش نقش قطعی سابقه تحصیلی می‌تواند به یاری بیاید. در نهایت ضمن اینکه فشارهای روانی و اضطرابی که به داوطلبان و خانواده‌های آنها وارد می‌کند، عملکرد داوطلبان را کاهش می‌دهد و موجب می‌شود بخش عمده‌ای از داوطلبان نتوانند همان شایستگی‌های ساحت علمی خود را نیز به درستی نشان دهند.

در نتیجه مبتنی بر یافته‌های پژوهش، به نظر می‌رسد افزایش تعداد آزمون سراسری در طول یکسال و تلاش برای گنجانیدن سوالات مفهومی چهارگزینه‌ای و یا تشریحی کوتاه، به سنجش عمیق و چندوجهی داوطلبان کمک بهتری می‌کند. ضمن اینکه لازم است سابقه تحصیلی یا همان آزمون‌های نهایی دوره متوسطه، که به صورت تشریحی و هر درس جدا برگزار

می‌شود، با استاندارد و اطمینان بیشتر برگزار شود تا به صورت قطعی بخشی از فرآیند ارزیابی و سنجش داوطلبان را به خود اختصاص دهد. زیرا همانگونه که در پیشینه بحث ارائه شد و در نظرات خبرگان نیز یافته شد، سنجش داوطلب بر اساس سابقه تحصیلی دبیرستان می‌تواند معیار مناسبتری برای انتخاب افراد شایسته باشد و در کشورهای دیگر دنیا نیز در حال انجام است. ضمن اینکه این امر موجب افزایش نقش مدارس و معلمان می‌شود و فشار کنکور به جای اینکه در یک روز و با حجم زیاد بر داوطلب وارد شود، دانش‌آموز به صورت تدریجی در طول چندسال با آن مواجهه می‌شود که در کاهش فشارهای روانی کنکور تأثیر مثبتی خواهد گذاشت و دانش‌آموز می‌داند که هر سال و با حضور پیوسته سر کلاس‌ها و خواندن دروس همان پایه، می‌تواند به نمره ارزیابی خوبی به عنوان سابقه تحصیلی دست یابد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی، در همین راستا، در سال ۱۴۰۰ ماده واحده «سیاست‌ها و ضوابط ساماندهی سنجش و پذیرش متقاضیان ورود به آموزش عالی (پس از پایان متوسطه)»^۱ را در جلسه ۸۴۳ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱۵ به تصویب رسانده است. بر طبق این مصوبه، از سال تحصیلی ۱۴۰۲ و بعد از آن نمره کل نهایی داوطلب شامل ۶۰ درصد سابقه تحصیلی با تأثیر قطعی و ۴۰ درصد آزمون اختصاصی خواهد بود و صرفاً از میان دروس تخصصی رشته‌های تحصیلی دوره دوم متوسطه می‌باشد. در حال حاضر، آزمون سراسری در کشور بر اساس این مصوبه در حال برگزاری است و از شیوه رایج قبلی فاصله گرفته است. باتوجه به اینکه در روش جدید، شصت درصد از نمره داوطلب در طول دوره متوسطه و بر اساس نمرات امتحانات نهایی محقق می‌شود؛ پیش‌بینی می‌شود که دانش‌آموزان با توجه و تمرکز بیشتری در مدارس حضور یابند و معلمان و مدارس تأثیر بیشتری بر تعلیم و تربیت آنها داشته باشند. همچنین با توجه به اینکه آزمون سراسری سبکتر و متمرکز بر دروس تخصصی شده است و هر ساله در دو نوبت برگزار می‌گردد که نتیجه آن نیز تا دو سال معتبر است؛ امید می‌رود که موجب کاهش فشار بر داوطلبان و خانواده‌هایشان در هنگام برگزاری آزمون و قبل از آن گردد. لذا در صورت اجرای موفق مصوبه فوق، پیش‌بینی می‌شود که بخش‌های مهمی از نتایج این مقاله در بخش فرآیند سنجش محقق گردد. شایان ذکر است مقاله حاضر مأخوذ از پژوهش‌هایی است که توسط مولفان در دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام شده و به عنوان اسناد پشتیبان مصوبه فوق مورد توجه و استناد شورای عالی بوده است.

۳. **بازنگری در فرآیند پذیرش.** اصولاً تمرکززدایی و در نظر گرفتن شرایط، سطوح، فرآیندها و ذینفعان مختلف، یکی از مولفه‌های حکمرانی می‌باشد که طی آن نقش دولت در نظارت و تنظیم‌گری بارزتر می‌گردد. یافته‌های پژوهش حرکت اصلاحی از وضعیتی که در آن فرآیند پذیرش به صورت متمرکز و بلافاصله بعد از سنجش آغاز می‌شود به وضعیتی که طی آن دانشگاه‌ها به ویژه دانشگاه‌های برتر، اختیار بیشتری در پذیرش داشته باشند را تشویق می‌کند. البته لازمه این امر، نظارت دستگاه‌های متولی و ملی بر پذیرش دانشگاه‌ها می‌باشد. همچنین به منظور تناسب بیشتر عرضه با تقاضا، پیشنهاد می‌گردد میزان ظرفیت هرکدرشته مبتنی بر سیاستهای آمایش آموزش عالی باشد. در این صورت دانشگاه‌ها می‌توانند انعطاف و تنوع بیشتری داشته بدهند و امکانهایی چون تغییر رشته را نیز بگنجانند. علاوه بر یافته‌های عام و کلی، بخشی از خبرگان پذیرش درصدهای دوره‌های پزشکی از مقطع کارشناسی، یعنی از بین داوطلبان دارای مدرک کارشناسی مرتبط را به عنوان راهکاری اختصاصی جهت جلوگیری از انباشت داوطلبان پشت کنکور علوم تجربی پیشنهاد دادند که می‌تواند بخشی از عطش فعلی جامعه دانش‌آموزی برای قبولی در رشته‌هایی همانند پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی را کنترل کند. این فرآیند در برخی از دانشگاه‌های دنیا دارای سابقه است و یکی از مزیت‌های آن این است که به داوطلبان اجازه می‌دهد سایر رشته‌ها را نیز انتخاب کنند و شانس خود را در آزمون پزشکی چهارسال بعد امتحان کنند. باتوجه به اینکه غالباً دانش‌آموزان با علائق و استعدادهای خود و محتوای رشته‌ها آشنایی کافی و واقعی ندارند، در سال‌های اول دانشگاه با دروس و خود آشنا می‌گردند و چه بسا این آشنایی به آنها در اینکه رشته فعلی را می‌پسندند و تمایلی برای پذیرش در رشته‌های پزشکی ندارند را آگاهی بخشد. در حال حاضر آزمون پذیرش دانشجوی پزشکی از مقطع کارشناسی صرفاً در دانشگاه علوم پزشکی تهران و برای رشته پزشکی برگزار می‌گردد. هدف این آزمون که تاکنون هفده بار برگزار شده است، ارائه فرصت مجدد به کلیه علاقه‌مندان به رشته پزشکی و دانشجویان مستعدی است که به هردلیلی قبلاً موفق

^۱ sccr.ir/pro/3217

به قبولی در رشته پزشکی نشدند. داوطلبان دارای مدرک کارشناسی کلیه رشته‌ها در صورت قبولی در این آزمون چندمرحله‌ای، میتوانند در رشته پزشکی ادامه تحصیل دهند. مرتبط‌بودن دروس و مواد امتحانی آزمون با دروس رشته پزشکی و وجود مرحله مصاحبه حضوری در آزمون از مزایای این رویکرد می‌باشد. به نظر می‌رسد انحصار این آزمون به یک دانشگاه و رشته خاص نیازمند بازنگری است و گسترش این روش به سایر دوره‌های دکتری شامل دندانپزشکی و داروسازی نیز قابل بررسی است.

۴. **تقویت هدایت تحصیلی و شغلی.** یافته‌ها نشان می‌دهد که علاوه بر کمبود تعداد مشاوران در مدارس، هدایت تحصیلی و مشاوره تحصیلی در مدارس آنچنان که بایسته است، جدی گرفته نمیشود و جایگاه مشاوران در مدارس نیاز به تقویت دارد. از سوی دیگر شناسایی نیازها، علائق و استعداد دانش آموزان به منظور هدایت درست به سوی رشته‌های متناسب‌شان به خوبی صورت نمی‌پذیرد و نیازمند بازنگری جدی است. طبق آخرین آمار اعلام شده از سوی وزارت آموزش و پرورش، بر اساس مصوبه دولت به ازای هر دانش‌آموز، می‌بایست یک ساعت در هفته مشاوره وجود داشته باشد که لازمه این امر وجود چهل هزار مشاور در مدارس کشور است ولی در حال حاضر نزدیک به سیزده هزار مشاور در حدوداً هفده هزار مدرسه دولتی وجود دارند^۱. باتوجه به اینکه این تعداد مشاور نیز وظایف مختلفی در مدرسه دارند که صرفاً بخشی از آن مربوط به هدایت تحصیلی است، وضعیت در موضوع هدایت تحصیلی و کمک به اینکه دانش آموز با علائق و استعدادهای خود آشنا شود، نامطلوبتر می‌شود. این موضوع در اسناد بالادستی نیز مورد توجه قرار گرفته است و مثلاً طبق راهکار ۲۱-۳ از سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، طراحی و استقرار نظام جامع هدایت تحصیلی و استعدادیابی به منظور هدایت دانش آموزان به سوی رشته‌ها و حرف و مهارت‌های مورد نیاز حال و آینده کشور متناسب با استعدادهای، علاقه‌مندی و توانایی‌های آنان (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰) می‌بایست در دستور کار وزارت آموزش و پرورش باشد. مشابهاً همین سند در راهکار ۱۶ تأکید میکند که حتی ارائه خدمات آموزشی و ارائه فرصت‌های تربیتی نیز می‌بایست متناسب با مصالح جامعه، نیازها و علائق دانش آموزان و در راستای شکوفایی استعدادهای آنان باشد. طبق یافته‌های این پژوهش شناسایی نیازها، علائق و استعداد دانش‌آموز چندان در عمل به درستی انجام نمی‌شود و علی‌رغم آزمون روانشناختی که توسط آموزش و پرورش از دانش‌آموزان گرفته میشود و علی‌رغم حضور مشاوران در مدارس، انتخاب رشته در پایه نهم متوسطه غالباً مبتنی بر جو غالب در جامعه، نمرات دروس و علاقمندی خانواده انجام می‌شود و علائق و استعدادهای دانش‌آموز و نیاز جامعه در اولویت نیست. شواهد حاکی از آن است در صورتی که هدایت تحصیلی در پایه نهم به درستی انجام شود، بخشی از دانش‌آموزانی که به دلیل جو غالب جامعه به سمت رشته علوم تجربی هدایت میشوند تا در یک رقابت نفس گیر با نزدیک به ششصد هزار نفر دیگر قرارگیرند، وارد رشته‌های دیگر می‌شوند و احتمالاً به دلیل تناسب بیشتر با علائق و استعدادهایشان، از نظر تحصیلی و شغلی رضایت بیشتری نیز کسب خواهند کرد. البته در سالیان اخیر تلاش‌های مشهودی جهت تقویت رشته‌های مهارتی و تشویق دانش‌آموزان به سوی این رشته‌ها نیز شده است که کیفیت و نتایج آن نیازمند پژوهشی جداگانه است.

هرچند شناسایی علاقمندی‌ها و استعدادهای دانش‌آموزان مربوط به پایه خاصی نیست و در طول سالیان متعدد تحصیلی می‌بایست رصد و ثبت گردد، اما هدایت تحصیلی در انتهای پایه نهم متوسط و انتخاب رشته دانشگاهی آزمون سراسری در انتهای پایه دوازدهم دو نقطه عطف و زمان کلیدی محسوب می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد که متأسفانه انتخاب رشته در زمان کنکور متولی خاصی ندارد و نه آموزش و پرورش و نه آموزش عالی هیچ‌کدام خود را متولی این بخش نمیدانند و ظاهراً سیاستها و قوانین نیز در این زمینه اعلام نظر نکرده‌اند. به نظر می‌رسد فاصله زمانی مابین برگزاری آزمون سراسری تا اعلام نتایج و زمان انتخاب رشته که فرصتی یک تا دو ماهه است، زمان مناسبی برای آشناکردن داوطلبان با رشته‌های دانشگاهی و با توانمندی‌های خودشان است. در سالیان اخیر دانشگاه‌های برتر تلاش‌های خوبی را انجام داده‌اند و به نظر می‌رسد که دانشگاه‌ها از انگیزه و توان مناسبی برای این کار برخوردار هستند و بهتر است این امر در کل دانشگاه‌های برتر کشور همگانی شود. لذا یکی از ضروریات در این زمینه، تعیین متولی از سوی نهادهای سیاستگذار می‌باشد.

^۱ mehrnews.com/x32RrT

۵. **بازنمایی مدیریت نهادی.** همانطور که در پیشینه اشاره شد، بخش مهمی از حکمرانی، در تنظیم تعاملات بین نهادی و نحوه تقسیم قدرت نهفته است. یافته‌های پژوهش بر برخی تغییرات نهادی از جمله افزایش نقش نهاد دانشگاه در شورای سنجش و پذیرش دانشجو و نیز استقلال سازمان سنجش آموزش کشور از وزارتخانه‌ها تاکید دارند. طبق ماده دوم از قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب مجلس شورای اسلامی، شورای سنجش و پذیرش متشکل از سیزده عضو می‌باشد که به جز رئیس سازمان سنجش به عنوان دبیر شورا، مابقی از وزارتخانه‌ها و مجلس هستند و سه عضو دانشگاهی این شورا شامل رئیس دانشگاه آزاد اسلامی و رؤسای دو دانشگاه دولتی (به انتخاب وزاری علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)، حق رأی ندارند^۱. این امر نیازمند بازنگری است و به نظر می‌رسد دانشگاه‌ها می‌بایست هم از نظر اختیارات و هم از نظر مسئولیت، نقش پررنگتری در مصوبات داشته باشند و اجازه حق رأی به آنها داده شود. هرچند سازمان سنجش آموزش کشور تا سال ۱۴۰۲ به عنوان یکی از معاونت‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مشغول به فعالیت بوده است؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی طی جلسه ۸۹۷ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۰۸ «اساسنامه سازمان ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش کشور»^۲ را به تصویب رسانده است که بر طبق آن، سازمان سنجش آموزش کشور با تمام امکانات به این سازمان ملی منتقل می‌شود و سازمان ملی ذیل رئیس جمهور و مستقل از وزارتخانه‌ها از جمله وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فعالیت خواهد کرد. در نتیجه با این مصوبه، استقلال سازمان سنجش آموزش کشور از وزارتخانه‌ها محقق خواهد شد و علاوه بر ارتقای جایگاه سازمانی، امید است که اثرگذاری، کیفیت و شفافیت عملکرد آن سازمان نیز افزایش مؤثری پیدا کند.

۶. **الزامات اقتصادی و اجتماعی.** در حال حاضر، آزمون سراسری بازار پررونق و سوددهی ایجاد نموده است. تعداد زیاد موسسات کنکوری و آموزشگاه‌ها و شعب آنها در سراسر کشور به همراه حجم عظیم کتابهای کمک آموزشی کنکور، کلاسهای خصوصی، آزمونهای آزمایشی، برنامه های آموزشی و تبلیغات بازرگانی در صداوسیما، همایشهای کنکوری و اقامتگاههای کنکوری نشان می دهد کنکور از نظر اقتصادی حجم عظیمی دارد. بنابر اعلام کتاب آینه نشر ایران، بازار کتاب در کشور در دست کتابهای کمک آموزشی است و بیشترین تعداد عرضه و فروش متعلق به کتابهای کمک درسی است. به عنوان نمونه در سال هزار و چهارصد و یک بالغ بر یک میلیون و هشتصد هزار کتاب کمک درسی با میانگین هر کتاب حدوداً یک میلیون و صد و بیست هزار ریال منتشر شده است^۳. حتی شواهد حکایت از این دارد که برخی معلمان مدارس از همین کتابهای کمک درسی به عنوان جزوه استفاده میکنند که در این صورت کتابهای کمک درسی و کلاسهای خصوصی جایگزین کلاس و کتاب رسمی می‌شوند. لذا بخش بازار کنکور سراسری، نیازمند اصلاحات جدی از جمله کنترل بازار تبلیغات و نشر، پررنگ شدن نقش کتابهای درسی و کلاسهای مدارس است تا بازار کتابهای کمک درسی و کلاسهای خصوصی محدود به موارد خاص گردد و از دارای عمومیت نباشد. همچنین باتوجه به اینکه آزمون سراسری فشارهای روانی زیادی به داوطلبان و خانواده‌ها وارد میکند (از جمله بنگرید: امیدیان و همکاران، ۱۳۹۷)، علاوه بر اصلاحات اقتصادی، نیازمند تغییرات جهت بهبود در حوزه خانوادگی و اجتماعی است. از جمله فرهنگ سازی و گفتمان سازی با کمک نخبگان و رسانه‌های عمومی در زمینه تشویق خانواده‌ها به شناسایی استعدادها و احترام گذاشتن به علائق فرزندان، معرفی مشاغل مختلف به جامعه و افزایش شأن آنها در نگاه عمومی به ویژه رشته های مهارتی و رشته هایی که مورد نیاز جامعه هستند، میتواند موثر باشد.

۷. **اصلاحات رویکردی.** یافته‌های پژوهش برخی اصلاحات رویکردی شامل تفکیک سنجش از پذیرش و تلاش برای سنجش و پذیرش غیرمتمرکز و نیز ساماندهی و کاهش سبیه‌ها و تلاش برای ایجاد عدالت بیشتر از طریق حمایت از مناطق کم برخوردار را برای بهبود وضعیت فعلی سنجش و پذیرش دانشجو پیشنهاد می‌کنند. در مرحله پذیرش، برخی مصوبات قدیمی وجود دارند که با شرایط اجتماعی و جغرافیایی فعلی همخوان نیستند و نیازمند بازنگری می‌باشند. به عنوان نمونه بر اساس مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در زمینه منطقه‌بندی و بومی‌گزینی، کل کشور به مناطق سه گانه تقسیم شده اند و طی آن داوطلبان هر منطقه با داوطلبان همان مناطق رقابت میکنند و همچنین داوطلبان هر منطقه از شانس بیشتری جهت قبولی در

^۱ rc.majlis.ir/fa/law/show/865812

^۲ sccr.ir/pro/3412

^۳ isna.ir/xdMkZf

رشته‌های همان منطقه برخوردار هستند. علاوه بر این مصوبه که متعلق به اواخر دهه هفتاد است، مصوبات دیگری در زمینه اعطای سهمیه به خانواده‌های شهدا و ایثارگران وجود دارد که همگی نیازمند به‌روزرسانی هستند. به عنوان نمونه، معیارهای بومی‌گزینی و دسته‌بندی مناطق می‌بایست به روزرسانی شود و سیاستهای جدید در زمینه آمایش آموزش عالی نیز در مصوبه جدید موردتوجه قرار گیرد و تلاش شود مناطقی که هم اکنون در محرومیت به سر می‌برند، از حمایت بیشتری برای پذیرش در رشته‌های خاص برخوردار باشند. همچنین در بحث سهمیه‌ها و با توجه به گذشت بیش از سی و پنج سال از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، می‌بایست توجه داشت که بخش عظیمی از فرزندان که مشمول این مصوبات بوده‌اند، عملاً از دایره رقابت کنکور عبور کرده‌اند. به عنوان مثال، بر اساس آمارها در آزمون سراسری سال هزار و چهارصد و دو، در حدود نُه و یک دهم درصد ظرفیت ثبت‌نامی از مجموعه خانواده‌های ایثارگران بوده‌اند؛ در حالی که طبق مصوبات می‌بایست در حدود سی درصد از ظرفیت دانشگاهها و مراکز آموزش عالی به خانواده‌های ایثارگران اختصاص یابد که در ظرفیت ثبت نامی نیز این امر محقق نمی‌شود.

در پایان یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که با پیاده‌سازی راهکارهای فوق اعم از سیاست‌گذاری کلان و برنامه‌ریزی واحد با به‌روزرسانی مصوبات و تقسیم کار ملی و هماهنگ کردن دستگاه‌های متولی با یکدیگر، همچنین با تفکیک سنجش و پذیرش از یکدیگر و افزایش نقش دانشگاهها در مرحله پذیرش و انتخاب رشته، تحول جدی در هدایت تحصیلی، انجام اصلاحات در معیارهای سنجش و در اجرای آزمون سراسری، در کنار ساماندهی بازار کنکور و نهایتاً اصلاحات گفتمانی با کمک نخبگان و رسانه‌ها، نظام سنجش و پذیرش از یک حکمرانی خوب و موثری برخوردار خواهد بود و ابعاد مختلف حکمرانی به ویژه عملکرد، مسئولیت‌پذیری، تمرکززدایی و افزایش نقش سایر ذینفعان تحقق بیشتری می‌یابد. در نتیجه با اجرای راهکارها، امکان پذیرش افراد شایسته‌تر در دانشگاهها بیشتر می‌گردد و علاوه بر نظام آموزش عالی، خانواده‌ها و نظام آموزش و پرورش نیز از تحولات مثبت در این عرصه بهره‌مند می‌گردند.

محدودیت‌های پژوهش: شناسایی راهکارهای حاصل از یافته‌های کیفی با اتکا به دیدگاه‌ها و تجارب ذی‌نفعان از جمله صاحب‌نظران، مدیران، دانشگاهیان و...، که عموماً مستقر در تهران بودند، حاصل شده است و لذا می‌تواند جامع‌بودن الگوی به‌دست‌آمده از بخش کیفی را با محدودیت روبرو کند و از نظر ذی‌نفعان شهرستانی استفاده نشد. همچنین مباحث فرهنگی مربوط به تحقیقات در ایران، تمایل پایین افراد به انجام مصاحبه، عدم اطمینان افراد در ارائه اطلاعات و سوگیری‌های موجود ممکن است کیفیت داده‌ها را تحت تأثیر قرار داده باشد.

تقدیر و تشکر

این مقاله با حمایت و همکاری دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام شده است که به این وسیله از آنها سپاسگزاری می‌گردد.

References

- Abdelaziz. S. (2022). The relation between good governance and improving performance in the higher education-HE-Institutions. *Business and Management Studies*, 8(2), 24.
- Ashouri M. Vahedi S. adib Y. & Badri R. (2020). Discovering the experience of failing university entrance exam among applicants: A grounded theory study. *Journal of Psychological Science*. 19 (96), 1593-1606. [In Persian]
- Bagheri Moghadam. N.. & ahmadi. H. (2019). Pathology of Governance in Higher Education System in Iran. *Iranian Journal of Public Policy*, 4(4), 55-74. [In Persian]
- Baghi Yazdel. R.. Naderv. A.. khodaie. E.. & Jamali. E. (2023). A multi-level modeling analysis for exploring the scores of the national entrance exam of Iran's universities and higher education institutions. *Educational Measurement and Evaluation Studies*, 13(42), -. [In Persian]

¹ isna.ir/xdQ8D5

- Barrv. D.. & Goedegehuure. L. (2020). Good governance and higher education. In P. Teixeira & J. Shin (Eds.). **The international encyclopedia of higher education systems and institutions** (pp. 572-578). Springer.
- Fathabadi. J., Shalani. B., & Sadeghi. S. (2017). The impact of universities entrance exam on Iranian students and families. **Cultural Psychology**, 1(2), 49-71. [In Persian]
- Fathtabar Firouziaei K. Shoiaati A. Shahram I. & Khademi F. (2021). Pathology of the Current Situation of the Student Assessment and Admission System in the Country with a Focus on the Entrance Examination and Providing a Solution to Improve the Student Assessment and Admission Model (A Comparative Study). **Educational Research**, 8 (42), 49-77. [In Persian]
- Fetanat Fard Haghghighi. M., zeinabadi. H. R., arasteh. H., & nave ebrahim. A. (2021). Designing a Model of Governance in Higher Education. **Strategic Studies of public policy**, 11(38), 324-346. [In Persian]
- Ghoorchian. N. & Ahmadi. R. H. (2014). Governance of world-class universities; a necessity or a need? **Future Studies Management**, 25,100, 23-34. [In Persian]
- Khallaghi. A. & Haiforosh. A. (2011). A Survey of the Effects of National University Entrance Examination on the Aims of Secondary Education. **Quarterly Journal of Education**, 112, 67-98. [In Persian]
- Mengash. H. A. (2020). Using Data Mining Techniques to Predict Student Performance to Support Decision Making in University Admission Systems, **IEEE Access**, 8: 55462-55470.
- Mohammdi. R., azizi. Z., & zafarinour. T. (2022). Evaluation Pattern of Test Taking Centers of National Exam. **Educational Measurement and Evaluation Studies**, 12(37), 98-115. [In Persian]
- Musavi S. J. Asadpour M. Souzanchi Kashani E. (2024). Identifying the Challenges of Student Assessment and Admission System: Consequences for School, Family and University. **Ihej**, 15 (3): 20-42. [In Persian]
- Musavi. S. J., Asadpour. M. & Karashi. M. (2022). **Investigation the Evaluation and Acceptance System (Entrance Exam. Konkoor); Questions, Solutions and Policies**. Tehran: Supreme Council of the Cultural Revolution.
- Narimani. M., & Miri. M. (2017). Factors Influencing on Academic Success of Top Rated Entrance Exams: Grounded Theory. **Journal of Research in Educational Systems**, 11(38), 59-79. [In Persian]
- OECD (2010), 12 Principles of Good Governance, **OECD Publishing**.
- Omidian, M., Rahmati, A., & Farhadi rad, H. (2018). Lived Experience of Entrance Exam with Emphasis on its Stressful Consequences. **Iranian Higher Education**, 0 (2), 1-19. [In Persian]
- Rajabi. A. R., Shamoradi. S. N., & Hasan Moradi. N. (2021). Higher education governance in Iran: Meta-analysis of injuries and solutions. **Applied Educational Leadership**, 1(4), 27-46. [In Persian]
- Shams Mourkani. Gh., Maarefvand. Z., & fathabadi. J. (2020). An analysis of factors affecting educational status of volunteers using Shannon Entropy technique. **Journal of Educational Planning Studies**, 8(16), 20-42. [In Persian]
- Shin. J. C., & Jones. G. A. (2022). Governance in higher education. In **Oxford Research Encyclopedia of Education**.
- Sobhani A & Shahidi M. (2007). Pathology of entrance exam in student's acceptance system. **Knowledge and Research in Educational Sciences**. 21(13), 161-181. [In Persian]
- Supreme Council of Cultural Revolution (2011). **Iran Fundamental Transformation of Education System Document" (FRDE)**, Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution. [In Persian]
- Talebivan. S., Zandvanian. A., & Shakeri. M. (2022). Study of the Entrance Exam Elimination Process Based on Grounded Theory. **Educational Measurement and Evaluation Studies**, 12(40), 7-28. [In Persian]
- Trigueiro. E. S. D. O., & Leme. M. I. D. S. (2020). Students and Intellectual Doping: Is Anything Going in Search of Entrance Exam Success? **Psicologia Escolar e Educacional**, 24, 1-9.
- Zaman. K. (2015). Quality guidelines for good governance in higher education across the globe. **Pacific Science Review B: Humanities and Social Sciences**, 1(1), 1-7.